

عبدالرحمان



ورساله الدرۃ الفاخرۃ

علی اوجبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۱. جامی در نگاهی اجمالی^۱

مولانا نورالدین عبدالرحمن بن نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد جامی در تاریخ ۲۳ شعبان ۸۱۷ هـ ق در خرگرد (یاخردگرد) جام - یکی از نواحی هرات - چشم به جهان گشود.^۲ پدر او نظام الدین احمد دشتی از دشت اصفهان به آنجا مهاجرت کرده بود.

لقب اصلی جامی عمادالدین بود. وی درباره تخلصش می گوید:

مولدم جام و رشحه قلم

جرعه جام شیخ الاسلامی است

لاجرم در جریده اشعار



به دو معنی تخلص «جامی» است^۲

جامی در سنین کودکی همراه پدر به هرات مهاجرت کرد. هرات در آن زمان مهد فرهنگ و ادب به شمار می‌آمد و دانشمندان و بزرگان بسیاری در آن شهر مشغول پژوهش و تألیف و نشر دانش بودند. وی تحصیل علوم دینی را از همان‌جا آغاز کرد. نخست طبق معمول، به فراگیری ادبیات عرب پرداخت. در درس معانی و بیان جنید اصولی حاضر شد و کتاب‌های شرح‌المفتاح و المطول را فرا گرفت.^۳ سپس در محضر شهاب‌الدین محمد جاجرمی، از شاگردان تفتازانی حضور یافت. افزون بر این دو، علی سمرقندی از شاگردان میر سید شریف جرجانی نیز از دیگر استادان جامی در هرات بود.^۴

پس از فراگیری علوم متداول هرات را ترک و در سمرقند سکنا گزید. علم هیئت را در آن دیار آموخت و در این امر بدان‌جا رسید که توانست برخی از منابع این علم را شرح و تلخیص نماید. افزون بر آن با قاضی‌زاده رومی که یکی از دانشمندان و خبرگان علم نجوم به شمار می‌آمد، مباحثاتی داشت؛ و در طی جلسات برخی از مشکلات او را حل کرد. قاضی‌زاده که هوش و ذکاوت او را دریافته بود، در محفلی در حضور فضلی معاصر خویش گفته بود: «تا بنای سمرقند است، هرگز به جودت طبع و قوت تصوف این جوان [جامی] کسی از آب مویه بدین جانب عبور نکرده است.»^۵

بدین شکل در همان اوان جوانی بر تمامی علوم معقول و منقول تسلط یافت و سرآمد همگان گردید.

جامی در طریق سیر و سلوک و عرفان منسوب به طریقه نقشبندیه - طریقه خواجگان - است. همان طریقه‌ای که در سراسر قرن نهم نفوذ داشت و بسیاری از بزرگان و عرفای آن عصر را به خود جذب نموده بود. عبدالغفور لاری از شاگردان میرز جامی، تسلط و تجرّ در علوم متعدّد را معلول انتساب او به طریقه نقشبندیه می‌داند.^۷ خود جامی نیز این نسبت را در زندگی و افکار خویش کاملاً مؤثر می‌دانست. و اما اساتید وی در عرفان و سیر و سلوک عبارتند از:

۱. خواجه محمد پارسا (حدود ۷۴۹ - ۸۲۲ ه. ق): یکی از شارحان *فصوص الحکم*، جانشین بهاء‌الدین نقشبند، مؤسس سلسله نقشبندیه و یکی از بزرگان مشایخ این سلسله که جامی او را ملاقات کرده است. بنا به نوشته خود جامی، نخستین دیدار جامی با خواجه به سال ۸۲۲ ه. ق یعنی درست در زمانی که جامی پنج ساله بود اتفاق می‌افتد.^۸ در آن سال خواجه در مسیر سفر به حجاز از جام می‌گذرد، و جامی به همراه پدر و جمعی از نزدیکان به دیدارش می‌شتابند.^۹

۲. سعدالدین کاشغری (درگذشته ۸۶۰ ه. ق): زمانی که جامی در سمرقند بسر می‌برد، شبی در خواب سعدالدین را می‌بیند که به او می‌گوید: «رو دادر! یاری گیر که ناگزیر تو باشد.» بر اثر همین خواب، به هرات می‌رود و توفیق مصاحبت سعدالدین کاشغری - که به دو واسطه به مؤسس طریقه نقشبندیه می‌رسد - را به دست آورده و به فقر مشرف می‌شود.

در همان ملاقات‌های اولیّه، صفای باطنی و استعداد معنوی جامی بر سعدالدین کشف می‌شود و زبان او را بدین اعتراف که: «امروز شاهبازی به دام ما افتاده» وامی‌دارد.^{۱۰}

جامی در ابتدا بنا به رسم صوفیان برای قطع تعلّقات کونی و تعریه دل از زنگار کدورات مادی «چله» اختیار کرد. ظاهراً این مرحله - خلوت و انزوا از خلق - شش ماه ادامه داشت.

۳. جامی به غیر از این دو از محضر سایر مشایخ معروف فرقه نقشبندیه همچون فخرالدین لرستانی، ابونصر پارسا و شمس‌الدین محمد کوسویی نیز بهره‌مند می‌گردد.^{۱۱}

۴. از شواهد امر و کلمات خود جامی چنین برمی‌آید که پیر و مرشد اصلی او خواجه ناصرالدین عبیدالله احرار (درگذشته ۸۹۵ ه. ق) می‌باشد.^{۱۲}

گویا جامی چهار بار در هرات و سمرقند و مرو او را ملاقات کرده و مکاتباتی هم میانشان جریان داشته است. جامی به قدری شیفته و مجذوب این استاد الهی بوده که مثنوی *تحفة الاحرار* را به نام او می‌سراید و همه‌جا از او به عنوان استاد و مخدوم خود یاد می‌کند.

۵. جامی هر چند محیی‌الدین بن عربی را درک نکرده و از محضر پر فیض بهره‌مند نگشته، اما بواقع دقیقاً و شدیداً تحت تأثیر افکار و جذبه معنوی محیی‌الدین بوده. شرح او بر *فصوص الحکم* و دیگر آثار عرفانی او بهترین گواه و دلیل بر صدق این مدّعاست.^{۱۳}

او در کنار مقام والای عرفانی و علمی، از ذوق شعری بسیار لطیف و طبعی ظریف برخوردار بود. از این رو خاتم‌الشعراء نامیدندش. شوخ‌طبع و بذله‌گو بود. از او لطایف بسیار نقل کرده‌اند.^{۱۴}

جامی در سن ۶۰ سالگی در نیمه ربیع‌الاول ۸۷۷ ه. ق همراه با کاروانی عازم مکه شد.^{۱۵} در جمادی‌الآخر همان سال به بغداد رسید.^{۱۶} پس از مدّتی توفیق زیارت مرقد مطهر حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) را به دست آورد.^{۱۷} پس از توقّفی چهارماهه به سفر خویش ادامه داد، و در بین راه به زیارت مقبره متبرّکه حضرت امیرالمؤمنین (ع) مشرف شد.^{۱۸}

هنگام بازگشت ۴۵ روز در دمشق توقّف کرد و از محمد خزیری (خضیری) حدیث استماع کرد. جامی مورد توجه پادشاهان و امرای وقت چون اوزون حسن، امیر آق‌قویونلو، سلطان محمد دوم و بایزید دوم نیز بود. هر یک از آنان با انواع هدایا و پیشنهادهای سعی در جذب و تطمیع‌اش داشتند. اما او هر بار به نحوی از قبول دعوت ایشان استنکاف می‌ورزید.^{۱۹}

سرانجام در روز جمعه ۱۸ محرم الحرام ۸۹۸ ه. ق به سن ۸۱ سالگی در شهر هرات دیده از جهان فرویست. و با تجلیل فراوان سلطان وقت و گروه کثیری از علماء و عامه مردم نزدیک پیر و مرشد خود سعدالدین کاشغری به خاک سپرده شد.^{۲۰}

۲. آثار جامی

در شمار آثار وی اختلاف بسیار است. سام میرزای صفوی در *تحفه سامی* چهل و پنج اثر برای او نام برده است. در حالی که عبدالغفور لاری — شاگرد جامی — آثار او را ۴۷ مورد می‌داند. برخی نیز تألیفات او را تا ۵۴ عنوان بر شمرده‌اند.

موضوعاتی که در تألیفات او مورد بررسی قرار گرفته کاملاً متفاوت‌اند؛ و همین کثرت و تنوع موضوعات کتاب‌های جامی، او را در زمره مؤلفان بزرگ قرار داده است.

در این قسمت به آثار این عارف نامی در دو بخش علوم نقلی و علوم عقلی اشاره می‌نماییم:

یک- علوم نقلی

الف- تفسیر

۱- تفسیر *قرآن کریم*^{۲۱} از ابتدا تا آیه ۳۸ سوره بقره (و آیای فارهبون) / عربی

ب- حدیث

۱- *اربعمین*:^{۲۲} جامی به پیروی از حدیث مشهور نبوی «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا» به ترجمه و شرح چهل حدیث از معصومین (ع) پرداخته است. او در این اثر احادیث را به کمک رباعی‌های فارسی ترجمه کرده است. نام دیگر این رساله کوچک ترجمه چهل حدیث است.

ج- تاریخ

۱- *شواهد النبوة* / فارسی: در شرح سیره نبوی و تاریخ تابعین تا عصر اقطاب اولیه صوفیه.^{۲۳}
۲- *نفحات الأنس*^{۲۴} / فارسی: در این کتاب او به شرح حال ۶۰۶ و به نقلی دیگر ۵۸۲ تن از بزرگان صوفیه و ۳۲ تن از زنان عارف پرداخته است.

۳- *مناقب* شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری^{۲۵} / فارسی: به ادعای شرق‌شناسانی چون آربری، تقریباً دو سوم این کتاب را جامی در *نفحات الأنس* آورده است.

۴- *مناقب مولوی*^{۲۶} / فارسی.

ه- فقه

۱- *رساله مناسک* / *ارکان حج*^{۲۷}: در این کتاب، مناسک حج و آداب زیارت، طبق مذاهب اربعه فقه سنی تبیین شده است.

و- ادبیات

۱- *صرف فارسی منظوم و منثور*^{۲۸} / عربی: در علم صرف.

۲- *الفوائد الضیائیة فی شرح الکافیة*^{۲۹} / عربی: از مهمترین منابع علم نحو.

۳- *تجنیس اللغات*^{۳۰} / *تجنیس الخط* / عربی: رساله‌ای منظوم در صنعت تجنیس.

۴- *الرسالة الواقیة فی علم القافیة*^{۳۱} / رساله در قافیه / مختصر الوافی فی علم القوافی

۵- *رساله در عروض*^{۳۲} / فارسی

۶- *بهارستان*^{۳۳} / فارسی: تقلیدی از *گلستان* سعدی

۷- منشآت / انشاء / رقعات^{۳۴} / فارسی: نامه‌ها و مکاتبات جامی

۸- دیوان کامل جامی^{۳۵} / فارسی: شامل سه بخش فاتحة‌الشباب، واسطة‌العقد و خاتمة‌الحیات است. چون تمام غزلیات مندرج در این دیوان هفت بیت دارد، آنها را «سبع مثانی» لقب داده است. این دیوان افزون بر غزلیات، متضمن قطعات، رباعیات، قصاید و ملامعات نیز هست.

۹- هفت اورنگ^{۳۶} / فارسی: شامل هفت مثنوی سلسله‌الذهب، سلامان و ابسال، تحفة‌الابرار، سیحة‌الابرار، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، و خردنامه اسکندری.

ز . معما

۱- رساله منظومه اصغر در معما^{۳۷}

۲- رساله صغیر در معما^{۳۸}

۳- رساله متوسط در معما^{۳۹}

۴- رساله کبیر در معما: تلخیصی از کتاب *حلال مطرز در معما و لغز*. این کتاب با نام *حلیه حلال* مشهور است.^{۴۰}

۲- علوم عقلی

الف - موسیقی

۱- رساله در موسیقی^{۴۱}: رساله‌ای علمی و استدلالی در ارتباط با دستگاه‌های موسیقی و مبانی و اصول و فروع این فن.

ب - عرفان و حکمت

۱- اعتقادنامه / عقاید^{۴۲} / فارسی: رساله‌ای است منظوم در رابطه با اصول و عقاید اسلامی.

۲- رساله در طریق صوفیان / رساله در طریق خواجگان / رساله پاس انفاس / رساله طریق توجه خواجه‌ها / رساله در شرایط ذکر / رساله در طریق نقشبندیه / رساله سررشته / نوریه / نقشبندیه^{۴۳} / فارسی: در ارتباط با مراحل و مسائل سیر و سلوک عملی صوفیان.

۳- رساله لا اله الا الله / رساله تهلیلیه^{۴۴} / فارسی.

۴- رساله منظومه: ممکن است این رساله همان اعتقادنامه و یا رساله اصغر در معما باشد.^{۴۵}

۵- رساله جواب سؤال از هندوستان / رساله سؤال و جواب هندوستان^{۴۶} / فارسی: پاسخ سؤالی عرفانی که علمای هندوستان از او پرسیده‌اند.

۶- شرح قسمتی از مفتاح‌الغیب^{۴۷}

۷- رساله فی الوجود / الوجودیه / رساله وجیزه در تحقیق و اثبات واجب‌الوجود^{۴۸} / فارسی.

۸- الحاشیه القدسیه / سخنان خواجه پارسا^{۴۹} / فارسی: مجموعه سخنان خواجه محمد پارسا است که جامی از حواشی کتاب‌های او گردآوری کرده است.

۹- شرح بیت خسرو دهلوی^{۵۰} / فارسی: شرحی عرفانی، منثور و منظوم منطبق بر آرای ابن عربی

بیت:

ز دریای شهادت چون نهنگ «لا» بر آرد سر

تیمم فرض گردد نوح را در وقت طوفانش

۱۰- شرح حدیث‌العماء^{۵۱} / عربی: اعرابی از حضرت رسول (ص) سؤال می‌کند:

«این کان ربنا قبل أن یخلق الخلق.» و حضرت پاسخ می‌دهد: «کان فی عماء مافوقه هواء و لا تحته هواء.» این حدیث به دلیل به کار رفتن واژه «عماء» به حدیث «العماء» مشهور شده است.

۱۱- الرساله‌التائیه / نی‌نامه^{۵۲} / فارسی: شرح منثور و منظوم دو بیت اول مثنوی مولانا.

۱۲- نقد‌النصوص فی شرح نقش‌الفصوص^{۵۳}: اولین اثر عرفانی جامی، شرحی ملامع بر نقش‌الفصوص

محبی‌الدین بن عربی [نقش الفصوص تلخیصی از فصوص الحکم است که توسط خود محبی‌الدین صورت گرفته است].

۱۳ - شرح رباعیات: ۵۴ شرحی بر رباعیات عرفانی متعلق به خود اوست. یک سوم عبارات این کتاب را از نقد النصوص نقل نموده است.

۱۴ - لوائح: ۵۵ کتابی مستقل در اصول و مبانی اندیشه ابن عربی.

۱۵ - لواع انوار الکشف و الشهود علی قلب ارباب الذوق و السجود ۵۶ / شرح قصیده میمیه / فارسی: شرحی است بر قصیده خمربه ابن فارض. هر یک از بخش‌های این کتاب لامعه نام دارد و با یک رباعی شروع می‌شود. از این آن را رو لواع نامیده‌اند.

۱۶ - شرح بعضی از ابیات قصیده تاتیة فارضیه / فارسی: ترجمه و شرح ۷۵ بیت از قصیده تاتیة ابن فارض. ۵۷

۱۷ - اشعة اللمعات ۵۸ / فارسی: شرح لمعات فخرالدین عراقی است. [لمعات در واقع تقریرات درس صدرالدین قونوی است که توسط فخر به رشته تحریر درآمده است].

۱۸ - شرح فصوص الحکم: ۵۹ شرحی است بر مهمترین کتاب عرفانی یعنی فصوص الحکم محبی‌الدین بن عربی. این اثر آخرین نگاشته مهم عرفانی جامی به شمار می‌آید.

۱۹ - الدرّة الفاخرة / عربی: مقایسه‌ای است بین اُمّهات آرای مورد اختلاف میان متکلمان، حکما و عرفا که در سال ۱۳۵۸ ه. ش در مجموعه سلسله دانش‌های ایرانی به اهتمام پروفیسور نیکو لاهیر و دکتر علی موسوی بهبهانی به چاپ رسید. اسامی و عناوین دیگر این کتاب عبارتند از:

— رساله فی تحقیق مذهب الصوفیة و المتکلمین و الحکماء

— الدرّة الفاخرة فی تحقیق مذهب الصوفیة و المتکلمین و الحکماء المتقدمین

— رساله تحقیق مذهب صوفی و متکلم و حکیم [بنا به روایت عبدالغفور لاری شاگرد مصنف]

— رساله المحاکمات / حطّ زحک ۶۰ / الدرّة الفاخرة الملتبیه بحطّ رحلک فی تحقیق مذهب

الصوفیة و المتکلمین و الحکماء المتقدمین [نامی است که صاحب کتاب الامم لإيقاظ الهمم برگزیده است]. ۶۱

۳. موضوع و مباحث الدرّة الفاخرة

از دیرباز بزرگانی چند، در صدد جمع آرای حکما و یا مقایسه میان چهار مسلک اشراق، عرفان، کلام و فلسفه و مسائل مورد اختلاف آنها، و داوری میان آنها برآمده و کتاب‌هایی همچون الجمع بین رأیی الحکیمین و المحاکمات را به رشته تحریر درآورده‌اند.

از متأخرین نیز می‌توان حکمایی همچون صدر المتألهین را که در کتاب‌های خویش در جمع میان آرا و تأویل آنها و بازگرداندنشان به معنایی واحد، تلاش فراوانی مبذول داشته نام برد. اما در این میان، کتاب الدرّة الفاخرة اثر گران سنگ نورالدین عبدالرحمن جامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و به حق درّی فاخر از گنجینه معارف اسلامی است، زیرا در عین اختصار و ایجاز، با استادی تمام به تبیین اُمّهات مسائل مورد اختلاف متکلمان، حکما و صوفیه و تشریح ادله آنها پرداخته است؛ و در این کار تا بدان‌جا پیش رفته که هرگاه به توضیح یکی از مسالک مزبور می‌پردازد، مخاطب گمان می‌کند که او خود از جمله معتقدان به آن مسلک است. اما در انتهای بحث، وقتی به نقد ادله می‌پردازد و افکار صوفیه را ترجیح می‌دهد، آشکار می‌شود او در سلک متصوّفه است. بیانات جامی در مقام تشریح مبانی متصوّفه و اثبات عقایدشان نیز دالّ بر تسلط تامّ وی بر مبانی عرفانی و نبوغ



سرشارش در این زمینه است.

مهمترین مباحثی که در این اثر طرح شده به

اجمال عبارتند از:

۱ - اثبات وجود واجب تعالی ۲ - عینیت وجود هر

موجود با ذات آن ۳ - اشتراک معنوی وجود ۴ - وجود

عام، وجودهای خاص، حصّه‌های وجود و فرق میان

آنها ۵ - آیا وجودها حقایقی مختلفند که بنفسه متکثر

می‌باشند؟ یا اینکه وجود یک حقیقت واحد مشکک

است؟ ۶ - وجود کلی طبیعی در خارج ۷ - اثبات اینکه

و اجب تعالی، وجود محض و «تعین» صفتی عارض

بر اوست. ۸ - تبیین ارتباط حق تعالی با کثرات به

وسیله مثال انطباق صورت واحد در آینه‌های مختلف

۹ - وحدت حق تعالی ۱۰ - آیا صفات حق تعالی

قدیمند یا حادث؟ عین ذات الهی‌اند یا زاید بر آن؟ ۱۱

- اثبات علم حق تعالی و بیان چستی آن ۱۲ - علم

حق تعالی به جزئیات ۱۳ - منشأیت علم حق تعالی

به خود برای علمش به سایر اشیا ۱۴ - اثبات اراده در

خدا، معنای آن، زیادت آن بر ذات و ارتباط آن با علم

الهی ۱۵ - اثبات قدرت در خدا، ماهیت آن، اختیار در

خدا و در خلق ۱۶ - آیا عالم، قدیم و ازلی است یا

حادث؟ و آیا استناد قدیم به فاعل مختار، جایز است یا

نه؟ ۱۷ - ماهیت کلام الهی، اثبات آن، قدیم یا حادث

بودنش و ارتباطش با علم الهی ۱۸ - مطلق قدرتی

ندارد؛ و اینکه آیا افعال بندگان اختیاری است یا نه؟ و



از نوشته طاش کبری دو نکته مهم به دست می‌آید:

نخست آن که *الدرة الفاخرة* در اصل شامل شش مسئله وجودشناسی، وحدت باری، علم باری، اراده باری، قدرت باری و کلام باری بوده؛ و مباحثی همچون: شمار صفات الهی، قدرت ممکنات و صدور کثرت از وحدت را بعدها اضافه کرده است.

دوم آنکه تاریخ تألیف این رساله مصادف با سال مرگ سلطان - محمد، یعنی ۸۸۶ ه. ق - است، و جامی در سن ۶۹ سالگی آن را به رشته تحریر درآورده است؛ چه همان‌گونه که در آغاز مقدمه گذشت، او در سال ۸۱۷ ه. ق به دنیا آمده است.

قدرت خدا چه نقشی در افعال مخلوقات دارد ۱۹ -
 صدور کثرت از وحدت و صدور کثرت از حق تعالی
 ۲۰ - مراتب هستی و بحث از ماهیت صادر اول
 ارتباطش با عقل اول.

۵. شروح و حواشی

۱. حواشی: مهمترین حواشی، حواشی خود جامی است که شامل ۴۵ حاشیه توضیحی می‌باشد.
۲. حواشی میر عبدالغفور لاری: شاید پس از حواشی مؤلف مهمترین حاشیه و شرح عبارات *الدرة الفاخرة* باشد. این حواشی شامل ۸۵ حاشیه توضیحی بر متن رساله و حواشی مؤلف است.
۳. *التحریرات الباهرة لمباحث الدرة الفاخرة*: نگاشته ابراهیم بن حسن کورانی^{۶۳}
۴. *الرسالة القدسیة الطاهرة بشرح الدرة الفاخرة*: نگاشته ابراهیم بن احمد کردی حسین آبادی،^{۶۴} شرحی بر متن رساله و بر حاشیه مؤلف.
۵. *الفريدة النادرة فی شرح الدرة الفاخرة*: نگاشته ابوالعصمة محمد معصوم بن مولانا بابا سمرقندی، شرحی بر متن رساله و ۳۱ حاشیه مؤلف.
۶. *شرح الدرة الفاخرة*: از شارحی ناشناخته، شرحی بر متن رساله و اندکی از حواشی مؤلف.^{۶۵}
۷. *حکمت عمادیه*: شرح فارسی به ضمیمه اصل رساله اثر میرزا عمادالملک. نسخه‌ای از این اثر به شماره ۱۰۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است.^{۶۶}
۸. *معیار الدرة*: شرح عربی نگاشته شاه‌علی بنده علی کابلی، معروف به شاه‌بیک. نسخه‌ای از آن به شماره ۳۲۵۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.^{۶۷}
- نگارنده ترجمه و تحقیق این اثر فاخر را که حاوی

۴. سبب تألیف این اثر

گویا سلطان محمد دوم عثمانی از جامی می‌خواهد رساله‌ای درباره آرای اختلافی متکلمان، فلاسفه و عرفا بنگارد و میان آنها داوری کند؛ و جامی این خواسته را اجابت می‌کند و *الدرة الفاخرة* را به رشته تحریر درمی‌آورد.

طاش کبری زاده در این باره می‌نویسد:

محبی‌الدین فناری چنین روایت کرده که پدرش، علی فناری که در زمان سلطان محمد خان قاضی عسکر می‌زیسته، گفته است: روزی سلطان به من گفت: ضرورت دارد که میان آنان که در علوم حقیقی بحث می‌کنند - یعنی متکلمان، عرفا و فلاسفه - داوری به عمل آید.

من گفتم: برای چنین مهمی هیچ کس شایسته‌تر از جامی نیست.

سلطان محمد پیکری به همراه هدایایی چند نزد جامی فرستاد و از او خواست تا این مهم را بر عهده گیرد.

جامی رساله‌ای درباره شش مسئله مورد نزاع گروه‌های یاد شده و داوری میان آنها نگاشت و برای سلطان محمد ارسال کرد و ضمن یادداشتی تصریح نمود که اگر این رساله مورد قبول وی قرار گیرد، آن را کامل خواهد کرد، و اگر مورد پذیرش قرار نگیرد، وقت خود را صرف تکمیل آن نکند. اما این رساله آن‌گاه به استانبول رسید که سلطان محمد درگذشته بود.^{۶۸}

بخش‌های زیر است، آماده چاپ کرده و در اختیار سازمان چاپ و انتشارات قرار داده است که به‌زودی منتشر و به علاقه‌مندان عرضه خواهد شد:

۱. متن رساله الدرّه الفاخره ۴. ترجمه رساله الدرّة الفاخرة ۳. ترجمه حواشی و تعلیقات جامی ۴. حواشی و تعلیقات میر عبدالغفور لاری ۵. حواشی و تعلیقات نگارنده.



پی‌نوشت:

۱. در باره احوال و آثار جامی، ر. ک: **مقامات جامی**: تألیف عبدالواسع نظامی باخزری، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱. **جامی**: تألیف علی اصغر حکمت، تهران، توس، ۱۳۶۳، ترجمه و تحشیه و تکمله آن از دکتر عارف نوشاهی، لاهور، ۱۹۸۳ م. شیخ عبدالرحمن جامی: تألیف نجیب مایل هروی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷. **نقد و بررسی آثار و شرح حال جامی**: تألیف اعلاخان اصف‌زاد، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸. **تکلمه نفحات الانس**: عبدالغفور لاری، به کوشش علی اصغر بشیر هروی، کابل، ۱۳۴۳. **خمسة المتخیرین**: تألیف امیرعلیشیر نوایی، ترجمه از ترکی جغتایی: محمد نخجوانی، به کوشش مهدی فرهانی منفرد، ضمیمه شماره ۱۲، نامه فرهنگستان، خرداد ۱۳۸۱. **رشحات عین الحیات**: صص ۲۳۳-۲۸۶. ۲. جامی خود در ضمن قصیده‌ای با عنوان «شرح حال» به تاریخ تولّد خود در سال ۸۱۷ ه. ق اشاره کرده است. (ر. ک: **نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی**، ص ۱۰۹)

۳. همان، ص ۱۰۹.
۴. **مقامات جامی**، ص ۵۱.
۵. همان، ص ۵۲؛ **رشحات عین الحیات**، ج ۱، ص ۲۳۵.
۶. **رشحات**، ج ۱، ص ۲۳۶.
۷. **تکلمه نفحات الانس**.
۸. ر. ک: **مصباح الانس**، ص ۳۹۷.
۹. **مقامات جامی**، ص ۵۰.
۱۰. **رشحات**، ج ۱، ص ۲۳۹.
۱۱. همان، ج ۱، صص ۲۴۲-۲۴۴.
۱۲. در این باره، ر. ک: **جامی** (نوشته نجیب مایل هروی)، صص ۲۲۳ به بعد.
۱۳. همان، صص ۲۵۸-۲۶۳.
۱۴. نمونه را ر. ک: **لطائف الطوائف**، صص ۲۳۱-۲۳۹.
۱۵. **مقامات جامی**، ص ۱۶۰؛ **رشحات**، ج ۱، ص ۲۵۴.
۱۶. **مقامات جامی**، ص ۱۶۶.
۱۷. **رشحات**، ص ۲۵۵.
۱۸. **مقامات جامی**، ص ۱۷۷.
۱۹. همان، صص ۱۸۳-۱۸۴.
۲۰. همان، صص ۲۶۵-۲۶۷، **رشحات**، ج ۱، صص ۲۸۲-۲۸۳، **خمسة المتخیرین**، صص ۴۰-۴۲.
۲۱. ر. ک: **جامی** (چاپ نوشاهی)، صص ۳۶۰-۳۶۱.
۲۲. چاپ نسخه برگردان مرحوم کاظم مدیر شانه‌چی (مشهد)، ۱۳۶۳.
۲۳. این اثر در سال ۱۳۷۹ به کوشش سید حسن امین بر اساس نسخه‌های داخل تصحیح و منتشر شده است. نگارنده تصحیح این اثر را بنا بر نسخه خط مؤلف و یاری دیگر دست‌نوشته‌ها به پایان برده و بزودی از سوی انتشارات اساطیر منتشر خواهد کرد.
۲۴. چاپ منقّح و مصحّح دکتر محمود عابدی (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰).
۲۵. ر. ک: **جامی**، (چاپ نوشاهی)، صص ۳۶۵-۳۶۶.
۲۶. **تاریخ نظم و نثر فارسی**، ج ۱، ص ۲۸۹.
۲۷. **تکلمه نفحات الانس**، ص ۳۹.
۲۸. ر. ک: **جامی** (چاپ نوشاهی)، صص ۳۹۳-۳۹۴.
۲۹. این کتاب چندین بار در ایران، هند و ترکیه به چاپ سنگی رسیده است (ر. ک: فهرست کتاب‌های چاپی عربی، صص ۶۸۱-۶۸۲).
۳۰. درباره آن، ر. ک: **جامی** (چاپ نوشاهی)، صص ۴۲۱-۴۳۴.
۳۱. چاپ بلاخمان (همراه با **عروض سیفی**، تهران، ۱۳۷۲).
۳۲. در بهارستان و رسائل جامی (مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹، صص ۲۲۱-۲۲۳) چاپ شده است.
۳۳. چاپ مصحّح و منقّح دکتر اسماعیل حاکمی (تهران، اطلاعات، ۱۳۶۶).
۳۴. چاپ عصام‌الدین اورون بایف و اسراراحمانوف (دوشنبه، ۱۹۸۹ م، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸).
۳۵. چاپ هاشم رضی (تهران، پیروز، ۱۳۴۱).
۳۶. چاپ مرتضی مدرّس گیلانی (تهران، ۱۳۵۱)، تحقیق و تصحیح اعلاخان اصف‌زاد، حسین احمد تربیت، جابلقا دادعلیشاه،

